

سلام کودکانه

فرقه ای‌های مهر بون سلام



سلام دوست جونی‌های فرقه‌ای، حال و احوال تون چطوره؟ حالا که امتحاناتون تموم شده یا داره تموم میشه امیدوارم که توی نتایج سربلند و پیروز باشید. دوست‌های خوبم امیدوارم آخر هفته خوبی داشته باشید و فصل تابستون و فراغت تون رو به خوبی شروع کرده باشید. راستی این هفته با کلی شعر و قصه و سرگرمی اومدیم سراغتون، حتما صفحه امروز رو بخونید و به دوستانتون هم معرفی کنید. بعدش با کمک بزرگ‌ترها از طریق پیامک به شماره ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶ یا ارسال پیام به تلگرام ما ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶، برامون نقاشی و شعر بفرستین و بگین نظرتون درباره صفحه چیه.

احساسات من

این قسمت هیجان



سلام بچه‌های عزیز، من زینب هستم، یکی از احساسات من هیجانیه که می‌خوام درباره‌اش با شما صحبت کنم. من هیجان رو دوست دارم، مثلاً وقتی توی پارک سوار تاب هستم و روی هوا میرم خیلی هیجان دارم یا لحظه‌ای که از سرسره پایین میام. یک وقت‌هایی هم که تیم مورد علاقه‌ام یعنی پرسپولیس مسابقه داره تا لحظه سوت پایان هیجان دارم اما وقتی برنده میشه خوشحال میشم.

شما با چه چیزهایی هیجان زده میشین؟ با کمک بزرگ‌ترها به ما از طریق تلگرام پیام بدین و از احساساتتون مثل هیجان، شادی و ترس بگین.

این من هستم

ونلوپ در آشپزخانه!

سلام دوست‌های خوبم، من «رمیصا آتشکار»، ۵ ساله و عاشق نقاشی کردن هستم، دوتا داداش دارم که یکی از اون‌ها بزرگ‌تر و یکی شون از من کوچولوتره. من هردوای اونارو خیلی دوست دارم. داداش بزرگم که اسمش امیرحسینه همیشه به من کلی چیزهای جدید مثل خوندن عددها تا ۲۰، نقاشی کردن و شعر یاد می‌ده. با آراد کوچولو هم همیشه کلی بازی می‌کنیم و می‌خندیم. من عاشق شهربازی‌ام و کارتون دیدن، به خصوص اگر هر سه تامون یک فیلم رو ببینیم. همیشه دوست دارم شبیه ونلوپ توی کارتون «الف خرابکار» بشم! چون خیلی پر هیجان و باهوشه. راستی من از آشپزی کردن هم خیلی خوشم میاد و همچنین خوردن سیب‌زمینی سرخ‌شده.



قصه

دوقلوهای فوتبالیست

سعید و وحید داداش دوقلوی کاملاً شبیه هم هستن و حتی مثل هم لباس می‌پوشن. یک روز که همه خانواده تو خونه مادر جون جمع شده بود، قرار شد پسرخاله‌ها با هم فوتبال بازی کنن. سعید رفت توی یک تیم و وحید توی تیم دیگه. بازی که شروع شد پسرخاله‌ها سعید و وحید رو با هم قاطی می‌کردن. مثلاً به جای سعید که توی تیم خودشون بود به وحید که تو تیم مقابل بود پاس می‌دادن. این جور بود که یک تیم یک عالمه گل زد. اون روز سعید که تیم شون باخت بود خیلی ناراحت شد. برای همین مامان شون فکری به ذهنش رسید. دو تا لباس تیم ملی خرید، پیراهن سعید شماره ۹ بود و شماره وحید ۱۱. راستی می‌دونستین میلاد محمدی بازیکن تیم ملی یک داداش دوقلو داره که اونم فوتبالیسته؟



تصویرسازی‌ها: سعید مرادی

شعر

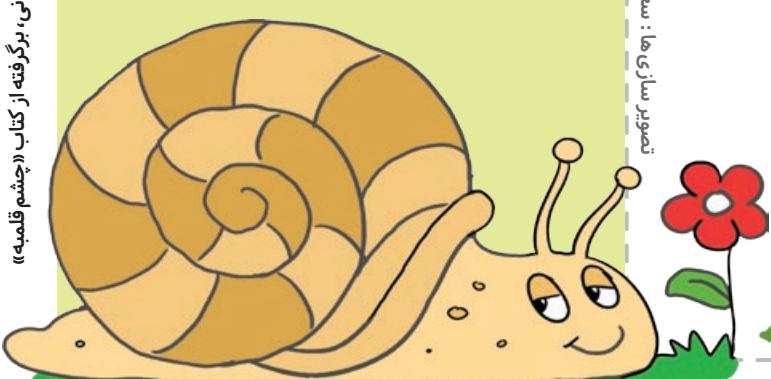
خوبی‌های تمیزی

بین چقدر تمیزم
پیش همه عزیزم
دستامو صابون زدم
مسواک به دندان زدم
اتو شده پیرهنم
شونه به مو می‌زنم
شسته شده لباسم
میرم سرکلاسم
دوستم دارن بچه‌ها
میگن بیا پیش ما



حلزون خسته

ای حلزون خسته، چقد یواش راه میری
از خستگی رو درخت، انگار داری وا میری
ردپاهات همیشه، روتنه درخته
با دیدن تو میگم، خونه به دوشی سخته
بذار زمین خونه‌تو، بیا به شب پیش ما
خونه ما همین جاست، تندتر بیا ای بابا



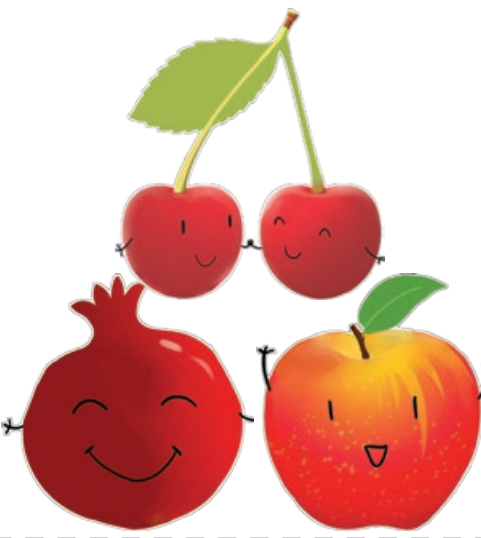
شاعر: مهدی مردانی، برگرفته از کتاب «چشم قلمبه»

با من یاد بگیر

چستان شعر میوه‌ها با آموزش انگلیسی

دوستان خوبم، می‌خوام چند تا میوه خوشمزه رو همراه با شعر بهتون معرفی کنم تا با این میوه‌ها و معادل انگلیسی شون آشنا بشین. موافقین؟ (به عنوان راهنمایی نقاشی میوه‌ها رو براتون گذاشتم، اسم فارسی و انگلیسی شون هم توی همین صفحه نوشته شده)

من میوه بهشتم سرخ و سفید و گردم خوش بوام و شیرینم واسه همه مفیدم	منم شیرین و ریزه مزه‌ام خیلی لذیذه شبهه یک گوشتوارم روشاخه‌ها سوارم	تاج قشنگی دارم دونه رنگی دارم خوشمزه و شیرینم اسمو بگو ببینم؟
فارسی:	فارسی:	فارسی:
انگلیسی:	انگلیسی:	انگلیسی:



قصه تصویری

برگ و باد

دیروز ظهر صدای باد توی کوچه‌های شهر، لابه‌لای درخت‌ها و میان گل‌ها پیچیده بود...

